

اوضاع شبه‌قاره در دوران تیموریان هند

محمد صابر^۱

مهاجرت شاعران ایرانی به شبه‌قاره

زبان فارسی زیرشاخه‌ای از زبان‌های هندوایرانی است و با زبان‌های شبه‌قاره پیوندی دیرین دارد و به دنبال روابط دیرینه چندین هزار ساله فرهنگی میان ایران و ساکنان شبه‌قاره نزدیک به نه قرن (از قرن پنجم تا سیزدهم هجری / یازدهم تا سیزدهم میلادی) زبان ادبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی شبه‌قاره بوده است. مهاجرت شاعران فارسی‌زبان ایرانی به شبه‌قاره قرن‌ها پیش شروع شده بود و حتی پس از انقراض دوره صفویان ادامه داشت.^۲ این مهاجرت شاعران، در دوران صفویان از همه وقت بیش‌تر شد، زیرا پادشاهان و امرای تیموریان هند هنردوست و ادب‌پرور بودند و در این زمان مهاجرت به اوج رسید و صدها شاعر به شبه‌قاره مهاجرت کردند. دلایل مهاجرت

۱. فارغ‌التحصیل دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه پنجاب پاکستان.

۲. برای توضیح بیش‌تر ← «بررسی احوال و آثار پارسی‌گویان ایرانی در شبه‌قاره از دوره غزنوی تا آغاز سده دهم هجری قمری»، پایان‌نامه دوره دکتری محمد سلیم مظهر؛ کاروان هند، در احوال و آثار شاعران عصر صفوی که به هندوستان رفته‌اند، احمد گلچین معانی؛ پارسی‌گویان ایرانی در شبه‌قاره، پس از دوران صفویه در دوره‌های قاجار، افشار و زند، پایان‌نامه دوره دکتری اعجاز احمد ندیم.

شاعران ایرانی در دوران صفویان نه تنها از بی‌توجهی شاهان صفوی به شعر و شاعری بوده، بل که علت‌های دیگری نیز می‌توان برای آن جست و جو نمود:

اگر چه صفویه در استقرار بخشیدن به ملیت ایرانی، وحدت مذهب را همواره پیش چشم داشتند، نسبت به مذهب خویش نیز تعصبات گزاف داشتند و به کشتار و آزار غیرشیعه می‌پرداختند. به عنوان نمونه سخت‌گیری طهماسب اول با نقطویه را می‌توان ذکر کرد که پس از طهماسب، شاه عباس بزرگ به قتل ایشان برخاست. فتور ارباب مناصب در زمان شاه اسماعیل دوم و قتل عام شاه‌زادگان که غالباً مروج شعر و مرثیه شاعران بودند، فتنه‌های پیاپی اوزبکان، هجوم عساکر روم به دفعات، دعوت شاهان هند از شاعران، این‌ها همه سبب شد که شاعران به هندوستان بروند. برخی برای پیوستن به آشنایان و خویشاوندان خودشان که در آنجا مقام و منصبی داشتند به شبه‌قاره مهاجرت کردند، بعضی برای گریز از تهمت بد مذهبی و بعضی برای سفارت، تجارت، سیاحت، عیاشی، خوش‌گذرانی، ناسازگاری روزگار و پیدا کردن کار به شبه‌قاره مهاجرت کردند.^۱

زبان و ادب فارسی شبه‌قاره در دوران تیموریان

دوره تیموریان (۱۲۷۵ - ۹۳۲ ق / ۱۸۵۸ - ۱۵۲۶ م) از نظر گسترش و رواج زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان شکوفاترین عصر در تاریخ آن سرزمین به شمار می‌آید. همزمان با این‌ها در ایران، صفویان (۱۱۴۸ - ۹۰۷ ق / ۱۷۳۴ - ۱۵۰۲ م) حکومت می‌کردند و به سبب کم‌توجهی آنان به ادب و شعر فارسی، بازار شعر و ادب در ایران کساد شد و شاعران و نویسندگان و فرهنگیان ایران به شبه‌قاره رو آوردند، زیرا پادشاهان، امیران، وزیران و شاه‌زادگان این دوره در ادب دوستی و ادیب و شاعرانوازی شهرت یافته بودند.

ظهیرالدین محمد بابر شاه (حک ۷ - ۹۳۲ ق / ۳۰ - ۱۵۲۵ م) اهل فضل و ادب بود و به تربیت شعرا و دانشمندان همت می‌گماشت و خود به فارسی شعر روان و سلیس می‌گفت.^۲

۱. کاروان هند، احمد گلچین معانی، ص پنچ؛ «مهاجرت شعرا به هند در عصر صفویه»، سعید حمیدیان، مجله وحید، ش ۵، ص ۱۳۴۷، ص ۴۷۹.

۲. کاروان هند، احمد گلچین معانی، ص بیست و هشت؛ تاریخ ادبیات ایران، صفا، ۱ / ۴۵۱.

نصیرالدین محمد همایون (حک ۶۳ - ۹۳۷ق / ۵۶ - ۱۵۳۰م) به سبب یاری شاه پهماسب صفوی (حک ۸۴ - ۹۳۰ق / ۷۶ - ۱۵۲۴م) برای به دست آوردن حکومت از دست رفته خود شخصاً مدیون وی بود و از دوره همایون به بعد نفوذ فرهنگ ایرانی و زبان فارسی در شبه‌قاره گسترش روز افزون یافت. وی در مدت پانزده ماه اقامت در ایران برخی از آثار علمی، هنری و فرهنگی فارسی آن سرزمین را گرد آورد و هنگام بازگشت به شبه‌قاره بسیاری از ادیبان و دانشمندان را همراه برد. بدین سبب بازار شعر و زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره بیش از پیش شکوفا شد. همایون و برادرش به فارسی شعر می‌سرودند.^۱ وی به فارغی هروی لقب امیرالشعرایی داد.^۲

در زمان حکومت جلال‌الدین محمد اکبر شاه (حک ۱۰۱۴ - ۹۶۳ق / ۷۶ - ۱۵۲۴م) فارسی زبان رسمی تمام کشور شد. مردم برای به دست آوردن شغل مناسب، امکانات و کارهای تجارت و بازرگانی به آموختن فارسی سخت نیازمند شدند. بدین جهت، نه تنها مسلمانان، بلکه هندوان نیز به آموختن فارسی همت گماشتند و در این زمینه چنان پیشرفت کردند که در انشانگاری فارسی شهرت یافتند و دیوان‌های شعر از خود به یادگار گذاشتند. غزالی مشهدی نخستین ملک‌الشعرای دربار او بود، بعداً فیضی به این سمت سرفراز شد.^۳ در این دوره کتاب‌های بسیار از هندی به فارسی و بالعکس ترجمه شد. هزاران خوشنویس و نقاش برای تکمیل نسخه‌های خطی ادبی و هندی کتابخانه پادشاه به کار سرگرم بودند و آثاری ماندگار مانند: *داستان امیر حمزه* یا *حمزه‌نامه*، با ۱۴۰۰ نقاشی، *بابرنامه*، *ظفرنامه*، *اقبال‌نامه*، *شاهنامه*، *خمسه نظامی*، *اکبرنامه*، و *راماین* در این دوره خلق شد.^۴

نورالدین محمد جهانگیر (حک ۳۷ - ۱۰۱۴ق / ۲۷ - ۱۶۰۵م) دوره جهانگیری، هنگامه اوج خورشید فروزان ادبیات فارسی در قلمرو هند است. در این دوره نه تنها مردان که برخی از زنان نیز در خلق آثار بدیع و اشعار دل‌انگیز، ذوق ادبی و شاعری خویش را به بهترین وجه نشان داده‌اند. بانوی ایرانی جهانگیر شاه، به نام نورجهان بیگم

۱. زبان و ادب فارسی در هند، کیومرث امیری، صص ۴ - ۳۱.

۲. کاروان هند، احمد گلچین معانی، ۱ / سی.

۳. «آغاز فارسی در شبه‌قاره و چگونگی ارتقای آن»، ظهورالدین احمد، نامه پارسی، س ۴، ش ۳، ص ۱۰۴.

۴. زبان و ادب فارسی در هند، ص ۱۳۱.

نیز شاعر و دوستدار شاعران بود. جهانگیر شاه هم علاوه بر نویسندگی، در شعر و شاعری ید طولایی داشت که اشعار زیبا و هنرمندانه او در بسیاری از تذکره‌ها و کتب سیر و تواریخ، مانند اقبال‌نامه جهانگیری، مآثر رحیمی، منتخب‌التواریخ، مخزن‌الغرائب، مرآة‌الخیال و غیره موجود است.^۱

شهاب‌الدین شاه‌جهان (حک ۶۸-۱۰۳۷ ق / ۵۸-۱۶۲۸ م) در سرپرستی از زبان و ادب فارسی پیرو نیاکان خود بود. وی افزون بر شعر و ادب به معماری و هنرهای زیبای شرق به ویژه ایران علاقه فراوان داشت. وی در شعر و دانش شاگرد قاسم‌بیگ تبریزی و حکیم دوایی گیلانی بود. دربارش از حضور شاعران، ادیبان، طبیبان و نقاشان فارسی زبان پر رونق بود. در این دوره باقیای نائینی، سعیدای گیلانی، کلیم کاشانی و قدسی مشهدی به فرمان وی به اندازه وزن خود طلا صله گرفتند و از فرزندان او، دارا شکوه (د: ۱۰۶۹ ق / ۱۶۵۹ م) و مرادبخش ادیب و فرهنگ دوست بودند. دارا شکوه که شخصی عارف و به سلسله قادریه وابسته بود، افزون بر کتاب‌های دیگر، دیوان شعر فارسی از خود به یادگار گذاشته است.^۲

اورنگ‌زیب عالم‌گیر (حک ۱۱۱۸-۱۰۶۹ ق / ۱۷۰۷-۱۶۵۴ م) آخرین پادشاه مقتدر تیموریان بود. نثر فارسی را خوب می‌نوشت و نامه‌هایش نشان‌دهنده مهارت وی در آن زمان است. دخترش زیب‌النسا مخفی بزرگ‌ترین زن شاعر دوره خود بوده و دیوان شعر به جا گذاشته که برخی از شعرهای آن زبان‌زد همگان است. با گسترش مرزهای قلمرو اورنگ‌زیب بود که زبان فارسی در تاریخ خود در گسترده‌ترین منطقه رواج داشت.^۳

در این دوره در موضوعات مختلف مانند تاریخ، دستور، فرهنگ و لغت، شرح حال شاعران، نویسندگان، علوم بلاغی و نقد ادبی کتاب‌های ارزشمندی نوشته شد. شاعران این دوره در همه قالب‌ها شعر سروده‌اند. ابوالفتح گیلانی، عرفی شیرازی، فیضی فیاضی، نظیری نیشاپوری، طالب آملی، کلیم کاشانی، صائب تبریزی، اشرف مازندرانی، سراج‌الدین خان علی آرزو و غیره شاعران برجسته این دوره بودند.

۱. «زبان فارسی در شبه‌قاره هند»، حسین فقیهی؛ نامه پارسی، س ۶، ش ۲، ص ۱۶۹.

۲. زبان و ادب فارسی در هند، کیومرث امیری، صص ۵۰-۴۷.

۳. فارسی ادب به عهد اورنگ‌زیب، نورالحسن انصاری، صص ۲۵-۱۷.

اوضاع سیاسی شبه‌قاره در دوران تیموریان

دوران صفویه در ایران با دوران تیموریان در شبه‌قاره مصادف است.^۱ ظهیرالدین بابر که نسبتش از طرف پدر به امیر تیمور و از طرف مادر به چنگیزخان می‌رسد، در سال ۹۳۲ ق / ۱۵۲۳ م سلطان ابراهیم لودی پادشاه دهلی را شکست داد و تمام شمال هند را به تصرف خود درآورد و مؤسس سلسله تیموریان در هند گردید. پس از وی پسرش همایون در سال ۹۴۷ ق / ۱۵۴۰ م به دست شیرشاه سوری شکست خورد و به دربار شاه طهماسب صفوی پناهنده شد و بعداً بار دیگر در سال ۹۶۲ ق / ۱۵۵۴ م به یاری طهماسب صفوی سلطنت از دست رفته را به دست آورد. بعد از وی پسرش اکبرشاه (حک ۱۰۱۴ - ۹۶۳ ق / ۱۶۰۵ - ۱۵۵۵ م) که مشهورترین پادشاه این سلسله به شمار می‌رود، سلطنت تیموریان را وسعت داد و سلسله‌های سلاطین بنگاله؛ سلاطین گجرات؛ سلاطین کشمیر، سلاطین فاروقیان و عمادشاهیان و نظام‌شاهیان را مغلوب کرد. پس از اکبرشاه پسرش نورالدین جهانگیر از سال (۳۷ - ۱۰۱۴ ق / ۲۷ - ۱۶۰۵ م) در هند حکومت کرد و بعداً پسرش شهاب‌الدین شاه جهان از سال (۶۸ - ۱۰۳۷ ق / ۵۸ - ۱۶۲۸ م) حکومت کرد تا نوبت به اورنگ‌زیب عالم‌گیر (حک ۱۱۱۸ - ۱۰۶۸ ق / ۱۷۰۷ - ۱۶۵۴ م) آخرین پادشاه بزرگ این سلسله می‌رسد. وی در سال ۱۱۱۸ ق / ۱۸۰۶ م وفات یافت و پس از مرگ وی چند نفر از جانشینان وی به این ترتیب به حکومت رسیدند. بهادرشاه اول (حک ۲۴ - ۱۱۱۸ ق / ۱۲ - ۱۷۰۷ م)؛ جهاندارشاه معزالدین (حک ۵ - ۱۱۲۴ ق / ۳ - ۱۷۱۲ م)؛ فرخ‌سیر (حک ۳۱ - ۱۱۲۵ ق / ۱۹ - ۱۷۱۳ م)؛ محمدشاه (حک ۶۱ - ۱۱۳۱ ق / ۴۸ - ۱۷۱۹ م)؛ احمدشاه (حک ۷ - ۱۱۶۱ ق / ۵۴ - ۱۷۴۸ م)؛ عالم‌گیر دوم (حک ۷۳ - ۱۱۶۷ ق / ۹ - ۱۷۵۴ م)؛ شاه‌عالم ثانی (حک ۱۲۲۱ - ۱۱۷۳ ق / ۱۸۰۶ - ۱۷۵۹ م)؛ بهادرشاه ظفر (حک ۷۴ - ۱۲۵۳ ق / ۵۷ - ۱۸۳۷ م).

۱. برای توضیح بیشتر، ← تاریخ‌نویسی فارسی در شبه‌قاره در دوران تیموریان بزرگ، آفتاب اصغر، لاهور،

اوضاع اجتماعی و فرهنگی شبه‌قاره در دوران تیموریان

نفوذ ایران و ایرانی‌ها در شبه‌قاره در دوران تیموریان بسیار چشم‌گیر بوده است. بنابراین تأثیر و نفوذ بی‌نهایت فرهنگ ایرانی در این دوران نیز بی‌سابقه است. هنگامی که وزیران ایرانی به‌خصوص اعتمادالدوله میرزا غیاث‌بیگ تهرانی پدر زن جهانگیر پادشاه و یمین‌الدوله آصف‌خان پدر زن شاه‌جهان، روی کار آمدند، فرهنگ ایرانی نیز رونق و رواج بیش‌تر یافت و در این تأثیر و نفوذ، همسران ایرانی پادشاهان تیموری^۱ نقش فوق‌العاده‌ای ایفا نمودند. حتی مراسم جشن‌های نوروز، مهرگان و چهارشنبه‌سوری با شکوه تمام برگزار می‌شد.

روابط ایران و شبه‌قاره در دوران تیموریان

در قرن هشتم هجری شبه‌قاره به دست امیر تیمور فتح شد و ازین به بعد آن سرزمین زیر حکم فرمایی امیران خاندان تیموری بود. تا این که در ۹۳۲ق / ۱۵۲۶م حکومت مستقل بابریان (۱۲۷۵ - ۹۳۲ق / ۱۸۵۷ - ۱۵۲۵م) به دست یکی از نوادگان تیمور به نام ظهیرالدین بابر در شبه‌قاره تأسیس گردید. دورهٔ بابریان از نظر روابط ایران و شبه‌قاره دوران درخشانی است.^۲

همایون پسر بابر به دست فریدالدین شیرشاه سوری (د: ۹۵۲ق / ۱۵۴۵م) شکست خورد، نخست در سند و پس از آن به ایران پناهنده شد و با کمک شاه طهماسب صفوی به شبه‌قاره برگشت و در ۹۶۲ق / ۱۵۵۵م دهلی را دوباره تسخیر نمود. در این زمان روابط ایران و شبه‌قاره در زمینهٔ فرهنگ، ادب، تجارت و غیره از آنجا که وی زیر دین پادشاه صفوی ایران بود، به اوج خود رسید و روابط ایران و شبه‌قاره عمیق‌تر گردید.

۱. مهراالنسا همسر نورالدین جهانگیر در تأثیر و نفوذ فرهنگ ایرانی در شبه‌قاره نقش مهمی را ایفا کرد. کشف گلاب را به وی نسبت می‌دهند. او در تصمیم‌های سیاسی پادشاهان نیز تأثیرگذار بوده است و همچنین ملکه ممتاز محل همسر شاه‌جهان نیز در این زمینه نقش برجسته‌ای دارد. حتی تاج محل، مرقدی است که شاه‌جهان به یاد وی بنا کرد.

۲. «بررسی احوال و آثار پارسی‌گویان ایرانی در شبه‌قاره از دورهٔ غزنوی تا آغاز سدهٔ دهم هجری قمری»، پایان‌نامهٔ دورهٔ دکتری محمد سلیم مظهر.

دربار پادشاهان سلسله بایریان در طول مدت حکم‌فرمایی آنان مرکز تجمع شاعران، ادیبان و امیران بود که از مشهورترین این پادشاهان می‌شود بابر، همایون، اکبر، جهانگیر و شاه‌جهان را نام برد.

چند شاعر معروف سبک هندی در دوران تیموریان

عرفی شیرازی. نام وی سیدی محمدحسین و لقبش جمال‌الدین متخلص به عرفی پسر خواجه زین‌الدین علی بلو پسر جمال‌الدین سیدی به چادرباف معروف بود. او در شیراز به سال ۹۶۳ق چشم به جهان گشود و در جوانی از راه دریا از بندر گمبرون (بندر عباس کنونی) به هند رفت و آنجا به توسط عبدالرحیم خان‌خانان به دربار جلال‌الدین اکبرشاه و پسرش جهانگیر معرفی شد و در لاهور در سال ۹۹۹ق جهان فانی را وداع گفت. سی سال پس از مرگش به دستور میر صابر اصفهانی وقایع‌نگار صوبه گجرات و دکن، که از نزدیکان اعتمادالدوله غیاث‌بیگ تهرانی بود، استخوان‌های وی را به نجف اشرف انتقال دادند. کلیات وی مشتمل بر رسالهٔ نفسیه، قصاید، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، غزلیات، رباعیات، ساقی‌نامه، و مثنویات است.

محمد حسین نظیری. محمد حسین نظیری معروف به نظیری نیشابوری (د ۱۰۲۲ق) در جوانی از خراسان به هند آمد و مورد محبت عبدالرحیم خان‌خانان سپهسالار واقع شد و به معرفی او به دربار اکبرشاه راه یافت و سفری به مکه و مدینه کرد و در بازگشت در احمدآباد گجرات سکونت گزید. پس از وفات اکبرشاه، جانشین او جهانگیرشاه او را نزد خویش خواند و گرامی داشت. وی در اواخر عمر ترک دنیا و مداحی شاهان کرد و عزلت گزید. دیوان وی که شامل قصاید، غزلیات و ترکیب‌بندهاست، مهارت او را در شعر نشان می‌دهد. در توصیف حالات وجدانی، طرز بیان نظیری با قدرت و ظرافت بسیار مقرون است و این‌گونه حالات را از طریق استعاره یا تمثیل به محسوسات نزدیک می‌سازد.

طالب آملی. طالب آملی (طالباً) از شاعران معروف ایرانی در سدهٔ یازدهم هجری قمری است. سال تولد وی به درستی دانسته نیست. وی در حدود سال ۱۰۱۷ق به شبه‌قاره رفت و آنجا به مداحی شاهان مختلف آن دیار پرداخت تا آن‌که به دربار جهانگیر رسید و در سال ۱۰۲۸ق در دربار جهانگیر به ملک‌الشعرایی رسید. وی در سال ۱۰۳۶ق در اثر

بیماری وفات یافت. کلیات وی مشتمل بر قصیده‌ها، ترکیب‌بندها، ترجیع‌بندها، مثنوی‌ها، غزلیات، قطعات و رباعیات است.

فیضی فیاضی. فیضی اکبرآبادی معروف به دکنی (د: ۱۰۰۴ق) ملک‌الشعرای اکبرشاه، بعد از امیر خسرو دهلوی، اولین شاعر فارسی‌گوی پرآوازه‌ای بود که در سرزمین هند ولادت یافت. برادرش ابوالفضل علامی وزیر و مرشد امپراتور اکبر بود. نزدیک صد تألیف به او منسوب است. از جمله رساله‌ای در اخلاق به نام *مواردالکلم* و کتابی در تفسیر به نام *سواطع الالهام* دارد به عربی که تماماً بی‌نقطه است. اشعار وی از جمله شامل خمسه‌ای ناتمام است. دیوان فیضی نیز شامل قصاید، غزلیات، قطعات و ترکیبات زیباست. در قصیده و غزل از تأثیر امیر خسرو خالی نیست.

حاجی محمدجان قدسی. حاجی محمد جان قدسی، معروف به قدسی مشهدی (د: ۱۰۵۶ق) در مشهد کدخدای صنف بقالان و منسوب به طبقات محترفه و اهل بازار بود، در جوانی حج کرده بود و بعد از پنجاه سالگی به اضطراب به هند سفر کرد و در خدمت شاه‌جهان ترقی عظیم نمود. قدسی در لاهور به عارضهٔ اسهال درگذشت. وی در انواع شعر از غزل، مثنوی، ترکیب‌بند تبخّر و قدرت فوق‌العاده نشان داد. سبک قصیده‌سرایی او تازگی داشت. او تغزل و تشبیبِ قصاید را به شیوهٔ غزل نزدیک کرد.

ابوطالب کلیم کاشانی. ابوطالب کلیم کاشانی در حدود در سال ۹۹۰ یا ۹۹۲ق در همدان متولد شد، لیکن به سبب اقامت طولانی در کاشان به کاشانی معروف شد. وی دو بار به شبه‌قاره رفت و آنجا به درگاه شاه‌جهان تقرّب جست و از او خطابِ ملک‌الشعرایی یافت و پس از به نظم درآوردن پادشاهنامه که در تهنیتِ شاه‌جهان سروده بود، به سال ۱۰۶۱ق در کشمیر درگذشت. پیکرش را در مزار الشعرای سری‌نگر، مرکز کشمیر، در کنار گور قدسی مشهدی و سلیم تهرانی به خاک سپردند. دیوان وی مشتمل بر غزل، قصیده، قطعه، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مثنویات و رباعیات است.

میرزا عبدالقادر بیدل. میرزا عبدالقادر بیدل عظیم‌آبادی دهلوی (د: ۱۱۳۳ق) آخرین شاعر بزرگ فارسی‌گوی عهد بابریهٔ هند و ثالث ثلاثه‌ای است که امیرخسرو و فیضی دو هم‌تراز دیگرش می‌شوند. وی در سال ۱۰۵۴ق در عظیم‌آباد پتنه به دنیا آمد. در اکثر علوم رسمی و حکمی تبخّر پیدا کرد. در دستگاه محمد اعظم پسر اورنگ‌زیب به خدمت

منشی‌گری اشتغال ورزید. اما وقتی مخدوم از وی درخواست تا قصیده‌ای در مدح وی عرضه کند از خدمت استعفا کرد و یک‌چند در بلاد مختلف از جمله پنجاب به سیاحت و مسافرت پرداخت. سرانجام در دهلی اقامت گزید و تا پایان عمر همان جا به مطالعه و تحقیق و تفکر و تصنیف اشتغال جست. کلیات آثار او شامل نظم و نثر است و در نثر آثاری مانند رقعات، نکات و چهار عنصر دارد که شیوه نویسنده‌گی او را ساده و در عین حال مبهم و پیچیده نشان می‌دهد. اشعارش غیر از قصاید و غزلیات شامل تعدادی مثنوی هم هست.

صائب تبریزی. میرزا محمدعلی معروف به (صائب) پسر میرزا عبدالرحیم تبریزی از شاعران معروف ایرانی سده یازدهم هجری قمری بوده و حدوداً در سال ۱۰۳۴ ق از راه کابل به شبه‌قاره رفت و آنجا با ظفر خان احسن و شاه جهان آشنایی پیدا کرد و بعد از چند مدت به اصفهان بازگشت و از شاه عباس دوم صفوی لقب ملک‌الشعرایی یافت.

کتابنامه

«آغاز فارسی در شبه‌قاره و چگونگی ارتقای آن»، ظهورالدین احمد؛ نامه پارسی، س ۴، ش ۳، ۱۳۷۸ ش.

«بررسی احوال و آثار پارسی‌گویان ایرانی در شبه‌قاره از دوره غزنوی تا سده دهم هجری قمری»، پایان‌نامه دوره دکتری محمد سلیم مظهر، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.

«پارسی‌گویان ایرانی در شبه‌قاره، پس از انقراض دوران صفویه در دوره‌های قاجار، افشار و زند»، پایان‌نامه دوره دکتری اعجاز احمد ندیم، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ ش.

تاریخ ادبیات ایران، ذبیح‌الله صفا، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۳ ش.

تاریخ‌نویسی فارسی در شبه‌قاره در دوران تیموریان بزرگ، آفتاب اصغر، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور، ۱۳۶۴ ش.

«زبان فارسی در شبه‌قاره هند»، حسین فقیهی، نامه پارسی، س ۶، ش ۲، ۱۳۸۰ ش.

زبان و ادب فارسی در هند، کیومرث امیری، شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران، ۱۳۷۴ ش.

فارسی ادب به عهد اورنگ‌زیب، نورالحسن انصاری، جامعه فارسی هندو، دهلی، ۱۹۶۹ ش.

کاروان هند، احمد گلچین معانی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۴ ش.

«مهاجرت شعرا به هند در عصر صفویه»، سعید حمیدیان، وحید، ش ۵، س ۱۳۴۷ ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی